

درس هایی از عملیات والفجر ۸

روایت آقای محسن نصری در منطقه عملیاتی والفجر ۸

تهیه و تنظیم: عقیل انبارداران*

| شناسنامه روایت | |
|--|---|
|  | الف) مشخصات راوی نام و نام خانوادگی: آقای محسن نصری از اساتید دانشگاه اصفهان و نویسنده کتاب مختلف با موضوع دفاع مقدس |
| | ب) زمان و مکان روایتگری دوشنبه، ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ ساحل اروندرود |
| | ج) مشخصات کاروان کاروان دختران دانشجوی دانشگاه‌های شهر اصفهان تعداد افراد کاروان: تقریباً ۴۰۰ نفر |

ترسیم فضای روایت

یادمان توقف می‌کنند و جمعیت مسیری به طول ۲۰۰ متر را که از خاکریزهای نمایشی احداث شده و پل‌های کوثری نصب شده بر روی آبراهه‌های کناری رود اروندرود، در ورودی یادمان ایجاد شده است، پیاده طی کرده و وارد یادمان می‌شوند. آقای سالمی راوی همراه کاروان، در پشت تریبون سیمانی یادمان پشت به اروندرود و شهر فاو عراق می‌ایستد. راوی ابتدا با گوشی همراه خود بخش کوتاهی از سخنرانی شهید خرازی را از بلندگو پخش می‌کند. افراد کاروان کم‌کم رو به تریبون و رود

کاروان متشکل از دختران دانشجوی دانشگاه‌های شهر اصفهان است که با ۱۰ اتوبوس به محل یادمان آورده شده‌اند. مجموع افراد کاروان با احتساب راویان و خادمان و مسئولان حدود ۴۰۰ نفر می‌باشند. مسئول کاروان آقای فتح‌الله جمشیدیان از بنیاد حفظ آثار سپاه و مسئول بسیج دانشجویی استان اصفهان است. روحانی کاروان حاج آقای جمشیدیان از نهاد رهبری دانشگاه پیام‌نور نیز کاروان را همراهی می‌کند. اتوبوس‌ها در پارکینگ

* کارشناسی ارشد مدیریت پروژه و کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

راوی در ادامه به درگیری گردان حضرت ابوالفضل از لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) با گارد ریاست جمهوری عراق اشاره می‌کند که در جریان آن، رزمندگان با اعتقاد، باور و ایمان خود ضربه سنگینی به لشکر گارد ریاست جمهوری عراق وارد کرده و حماسه آفریدند؛ وی سپس امریکا، اروپا، صهیونیسم و گروه ۵+۱ را به منزله گارد ریاست جمهوری عراق می‌خواند که در دوران کنونی قصد نابودی جمهوری اسلامی را دارند. راوی یادآور می‌شود که چگونه با توسل به معصومین و الگوگیری از عملیات والفجر ۸ می‌توان با این هجوم مقابله کرد. وی پایان مباحث خود را به ذکر خاطره‌ای از شهید مجید تصاعدیان اختصاص می‌دهد که با وجود داشتن دو فرزند و تحصیلات عالی، به دلیل احساس مسئولیت و تعهد، از زندگی دنیوی دل بریده و با حضور در منطقه والفجر ۸، پس از نبرد با دشمن به شهادت می‌رسد. با بیان این خاطره، راوی یکی دیگر از رموز پیروزی در برابر فشارهای سیاسی، اقتصادی و جنگ نرم دشمن را الگوبرداری از روش شهید تصاعدیان و برتر دانستن خدا از همه قدرت‌ها و نیز احساس مسئولیت و داشتن تعهد ذکر می‌کند. در پایان راوی با اشاره به نگرانی مقام معظم رهبری در زمینه پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در جامعه، بار دیگر وظیفه پیروی از راه شهدا و الگوگیری از عملیات والفجر ۸ در مقابله با مشکلات روز و توکل به خداوند را به مخاطبان یادآوری می‌کند.

متن روایت

شروع روایت با فرازی از وصیت‌نامه یک شهید

«السلام علی المهدی و علی آباءه، السلام علیکم جمیعاً و رحمه الله و برکاته. بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم. خداوند تبارک و تعالی را سپاسگزاریم که در ایام فاطمیه حضرت زهرا سلام الله علیها در فاطمیه دفاع مقدس در منطقه عملیاتی والفجر ۸ با رمز یا فاطمه الزهرا^(س) حضور پیدا کردیم تا در اسفند ۹۳ و به دنبالش سال ۹۴ به بعد، بتوانیم فاطمی عمل کنیم.

اروند، (نمای روبه‌روی شهر فاو) در محوطه سیمانی روی زمین می‌نشینند. راوی با توضیحات کوتاهی در خصوص جنگ و مطالبی طنزآمیز جمعیت حاضر در محوطه را سرگرم می‌کند تا بقیه افراد هم برسند. رفته‌رفته همه افراد کاروان خود را به محوطه رسانده و روی زمین می‌نشینند. بعد از تجمع کامل کاروان، راوی دیگری به نام آقای دکتر نصری که از جانبازان و رزمندگان دفاع مقدس است، شروع به روایتگری می‌کند.

مقدمه

ابتدا راوی با خواندن فرازی از وصیت‌نامه شهید رضا نادری، به مسئولیتی که شهدا بر دوش همه ملت ایران گذاشته‌اند و لزوم ادامه راه شهدا، اشاره می‌کند. سپس صحبت‌های خود را در سه محور ادامه می‌دهد:

۱. موقعیت جغرافیایی محل و مشخصات رودخانه اروند.
۲. موقعیت نظامی منطقه و مشخصات کلی عملیات در منطقه فعلی.
۳. الگوهایی که از حماسه والفجر ۸ می‌توان برای مسائل روز کشور برداشت نمود.

راوی ابتدا موانع و مشکلات عبور از اروند و همچنین استحکامات دشمن را تشریح کرده و سپس مسائل امروز کشور و موانعی که امروزه دشمن از طریق تحریم‌ها، جنگ نرم و هجوم فرهنگی و فشارهای بین‌المللی در برابر مردم و نظام جمهوری اسلامی ایجاد کرده است را به همان موانع و سختی‌های دوران دفاع مقدس تشبیه می‌کند. او در توضیح بیشتر این مطلب با تأکید بر اینکه رمز پیروزی بر موانع دشمن یعنی در عملیات والفجر ۸ باور رزمندگان به خدا و توسل به ائمه معصومین بوده است، جنگ نرم فعلی، تحریم‌های غرب و فشارهای اقتصادی دشمن را به مثابه موانع عملیات والفجر ۸ در سال ۱۳۶۴ دانسته و اشاره می‌کند که با الگوگیری از رموز پیروزی در عملیات والفجر ۸ می‌توان به دشمن فعلی نیز غلبه کرد. راوی خودباوری و اعتمادبه‌نفس در رزمندگان را یکی دیگر از دلایل موفقیت در عملیات والفجر ۸ می‌داند.



— راویت محسن نصری در یادمان اروندرود - اسفند ۱۳۹۳

رودخانه با عرض کم و زیاد همه جا هست، بیابان‌های خیلی قشنگ‌تر از این بیابان‌ها خیلی جاها هست، اما آمده‌ایم والفجر ۸، ان‌شاءالله بعد از ظهر در شلمچه، و در ادامه در مناطق دیگر می‌رویم که مسئولیتی که امثال شهید رضا نادری و ۲۲۰ هزار شهید انقلاب و دفاع مقدس بر دوش ما گذاشتند را بشناسیم و به‌خوبی ادامه بدهیم. به همین جهت، سه موضوع را به‌اختصار خدمت شما در باب والفجر ۸ در همین منطقه بررسی می‌کنم. مورد اول و دومش خیلی مختصر و مورد سوم که بحث اصلی است، مفصل‌تر. اول موقعیت جغرافیایی منطقه؛ بحث دوم موقعیت نظامی عملیات والفجر ۸ [و اینکه] چرا در این منطقه عملیات شد؟ و نهایتاً بحث اصلی ما بهره‌گیری از الگوهایی است که از حماسه دفاع مقدس در عملیات والفجر ۸ برای ما مانده و باید به آنها عمل کنیم.

جغرافیای منطقه

منطقه‌ای که در مقابل شماس، رودخانه مرزی اروندرود، حدود ۸۰، ۹۰ کیلومتر مرز ما با کشور عراق است. در روبه‌روی شما شهر فاو قرار دارد که شبه‌جزیره فاو است و پشت فاو، خور عبدالله واقع شده؛ یعنی قسمت غربی فاو، خور

چون فرصت قطعاً محدود است و برنامه‌های مختلفی را در یادمان‌های دیگر دارید، من بدون مقدمه چند نکته‌ای را از عملیات والفجر ۸ [در] سال ۱۳۶۴ خدمت شما تقدیم بکنم. ان‌شاءالله با فرازی از وصیت‌نامه یک شهید به نام رضا نادری شروع کنم که فکر می‌کنم مسیر این دو روز اردوی راهیان نور شما را از همین نقطه والفجر ۸، این وصیت‌نامه روشن می‌کند. شهید بزرگوارمان رضا نادری از شهدای عملیات مرصاد است که در سوم مرداد ۱۳۶۷ در نبرد با منافقین یعنی به شهادت رسید. این شهید وصیت کرده که این فراز را روی سنگ قبرم بنویسید، اگر شما بر مزار شهید رضا نادری، از بچه‌های شاهرود بروید، روی سنگ قبرش این را نوشته‌اند: "ای برادر، به کجا می‌روی کمی درنگ کن، آیا با کمی گریه و یک فاتحه خواندن بر مزار من و امثال من، مسئولیتی که با رفتن خود بر دوش تو گذاشته‌ایم، از یاد خواهی برد، ما نظاره می‌کنیم که تو با این مسئولیت سنگین، چه خواهی کرد؟ و اما مسئولیت، ادامه‌دادن راه ما می‌باشد."

راهیان نور، یعنی وصیت‌نامه رضا نادری؛ یعنی آمده‌ایم، مسئولیت خودمان را بشناسیم، به‌قولی، رودخانه اروند، این بیابان‌ها همه جا هست، آب همه جا هست،

ماه مطالعه شد که یک مورد آن، جناب آقای دکتر دانش [می باشد] که تا دو سال پیش، رئیس دانشگاه اصفهان بودند و در آن زمان در دوره دفاع مقدس، در گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان بودند. [ایشان] با یک تیم از دانشجویان و اساتید، فقط محاسبه جزر و مد این رودخانه را چندین ماه انجام دادند تا بفهمیم چه روزی، چه شبی، چه ساعتی، چه ماهی بالاترین مد رودخانه رخ می دهد که بچه ها بتوانند عملیات انجام دهند. حرکات گوناگون این آب رودخانه را شناسایی کردند. پس کار علمی، کار اطلاعاتی، کار شناسایی، حدود شش ماه در این منطقه صورت گرفت تا این منطقه محفوظ باشد و دشمن مطلع نشود. نهایتاً شب بیستم بهمن ۱۳۶۴، عملیات والفجر ۸ شروع شد.

علل انتخاب منطقه فاو برای عملیات

دشمن ما در شهر فاو خودش پایگاه موشکی داشت. با موشک ها، خلیج فارس را ناامن کرده بود و کشتی های ما را در جزیره خارک برای صادرات نفتی و بحث واردات بسیار ناامن کرده بود. دشمن ما با یگان دریایی که از خور عبدالله به خلیج فارس آورده بود، خلیج فارس را ناامن کرده بود و با عملیات والفجر ۸ هم یگان دریایی عراق کلاً تعطیل شد، چون دیگر دسترسی آنها به خلیج فارس با تصرف فاو قطع شد. از سویی، با سرنگون شدن پایگاه موشکی عراق در فاو توسط بچه های رزمنده، دیگر عراق نتوانست در خلیج فارس مثل گذشته تهدید نظامی انجام دهد. در این عملیات ضربه سنگینی به ماشین جنگی دشمن وارد آمده بود که بعد از عملیات والفجر ۸ و عملیات کربلای ۵ در شلمچه، اقتدار و قدرت جمهوری اسلامی را فهمیدند و مجبور شدند به بخشی از خواسته های ما تن بدهند. صلابت و اقتداری که در این نقطه و سال بعد در کربلای ۵ نشان دادیم، دشمن را مجبور به پذیرش خواسته های ما کرد. اینها علل انتخاب این نقطه برای عملیات است.

عبدالله واقع شده است. قسمت شرق فاو اروند رود قرار دارد و قسمت جنوبی آن می شود خلیج فارس. به همین جهت به آن شبه جزیره فاو می گویند. از آغاز جنگ تحمیلی تا ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ که این عملیات [الفجر ۸] صورت گرفت، هیچ اتفاق خاصی در این نقطه نداریم. دشمن بعضی، با همه توان نظامی و کارشناسان نظامی اش، جرئت نکرد در آغاز جنگ از این رودخانه عبور بکند و آبادان را اشغال کند. باینکه در ساحل خودمان ما یک سیم خاردار یا خطی برای شکسته شدن نداریم، ولی دشمن همه نوع امکانات در اختیارش هست، فقط از آب رودخانه اروند به هراس افتاد، به همین جهت محور ورود عراق به سرزمین مقدس جمهوری اسلامی، منطقه شلمچه است که آغاز مرز خشکی ما با کشور عراق محسوب می شود.

حدود شش ماه کار علمی، شناسایی و اطلاعاتی قبل از شروع عملیات والفجر ۸

در طول چند سال اول دفاع مقدس، هیچ عملیات و اتفاق مهمی در این نقطه نداریم؛ چراکه دشمن اصلاً تصور نمی کند که بتواند اینجا عملیات انجام بدهد؛ ما هم به تعبیری، در مورد امکان پذیر بودن عملیات در این نقطه هنوز به نتیجه نرسیدیم. بعد از اینکه در عملیات های مختلف مثل عملیات بدر و خیبر و عملیات های گوناگون به این نتیجه رسیدیم که در جبهه های مقابل شهر بصره، دشمن آماده و مهیا است و زمین را مسلح کرده و امکان عملیات گسترده تأثیرگذار محدود است، این منطقه انتخاب شد. حدود شش ماه کار مطالعاتی و اطلاعاتی انجام گرفت، من جمله روی این رودخانه وحشی اروند رود. رودخانه ای که حدود یک کیلومتر عرض دارد، حدود ۷۰ کیلومتر در ساعت، سرعت آب رودخانه است، حدود ۱۵ متر عمق رودخانه است، چهار نوبت در شبانه روز جزر و مد دارد؛ سه و نیم تا ۴ متر آب پایین و بالا می شود که الان آب در حالت جزر بوده و الان مد شروع می شود که آب بالا بیاید؛ روی این ویژگی های رودخانه حدود شش

اراده و ایمان به خدا؛ رمز عبور از اروند وحشی

اما ببینیم والفجر ۸ سال ۶۴ چه ویژگی‌هایی داشت که همان‌ها را برای والفجر ۸ سال ۹۳، ۹۴ خودمان انتخاب بکنیم. نکته اول اینکه عملیات والفجر ۸، عبور از یک رودخانه وحشی است به نام اروندرود، دشمن در ساحل خودش سیم‌خاردار دارد، میدان مین دارد، خورشیدی دارد، نه این خورشیدی‌هایی که اینجا [ساحل اروند در یادمان] می‌بینید به این کوچکی، خورشیدی‌هایی که دو برابر این تقریباً طول میل‌گردهایش است. سنگر مستحکم بتنی دارد که ۵۰ سانتی‌متر قطر بتان آرمه سقف سنگرشان بود که راکد هواپیما به آن اثر نمی‌کرد، چه برسد به کلاشینکف و آر.بی.جی. و نارنجک دستی. در این منطقه، دشمن رادار رازیت داشت که هر حرکتی در اروند را رصد می‌کرد، اما شب بیستم بهمن ۱۳۶۴، سی هزار غواص در طول این منطقه وارد آب شدند، راداری که پشه را تشخیص می‌داد نتوانست حتی یک غواص را هم تشخیص بدهد. دشمن نیروها و امکانات زیادی دارد، اما اراده و ایمان که باشد، توکل به خدا باشد، توسل به اهل بیت^(ع) باشد، می‌شود از اروند وحشی عبور کرد.

هنوز در دانشگاه‌های جنگ جهان، دارند عبور بچه‌های رزمنده از اروند را بررسی می‌کنند که ایرانی‌ها چگونه و با چه تکنیکی توانستند از اروند عبور بکنند. تکنیک عبور از رودخانه را آنها نمی‌فهمند، اما قطعاً شما خوب می‌فهمید. هر چه به آنها بگوییم برایشان قابل فهم و درک نیست. تاکتیک عبور از اروند وحشی و شکستن خطوط مستحکم دشمن، رمز یا فاطمه الزهرا^(س) است. والفجر ۸ سال ۹۳، والفجر ۸ سال ۹۴ می‌گوید اگر دشمن مانع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی ایجاد کرده، رادار رازیت آورده، میدان مین آورده، تهدید سنگین کرده، اگر فاطمی شدی می‌توانی عبور بکنی. آمدی منطقه عملیات والفجر ۸ غرور و نشاط و خودباوری و اعتماد به نفس یاد بگیری. دیروز اینجا میدان مین درست کردند و مانع و سنگر مستحکم بتنی و دولول ۲۳ مخصوص زدن هواپیما روی سنگرهایشان گذاشتند، بچه‌های بسیجی

شانزده هفده ساله را می‌زدند. امروز دشمن آمده با انواع تهدیدات و تحریم‌ها، موانعی در برابر حرکت عظیم تمدن جمهوری اسلامی ایجاد بکند. آمدیم والفجر ۸ - شما در فیلم و عکس و اینها و نهایتاً در اینترنت و اینها می‌شد رودخانه ببینید، سیم‌خاردار ببینید و امثالهم - آمدیم اینجا که از قیل و قال دنیا فاصله بگیریم، اینجا باور بکنیم که می‌شود شرق و غرب جهان را شکست داد، اما شرط آن فاطمی شدن است. فاطمی شدنمان به چیست؟ یکی از بچه‌های غواص که در همین منطقه عملیات انجام

داد، گفت وقتی که در طول ستان وارد رودخانه شدیم، فشار و سرعت آب، - ساعت ۱۰ شب که بچه‌ها وارد آب شدند، تقریباً یک‌نم بارانی گرفت، رودخانه هم طغیان کرد - وسط‌های رودخانه آب ما را به سمت خلیج فارس می‌برد. بعد از شش ماه تلاش شبانه‌روزی، همه امیدفرماندهان و بچه‌های رزمنده این بود که ما غواص‌ها برسیم به ساحل دشمن و خط را بشکنیم، اما وسط رودخانه دیدیم که آب ما را به سمت خلیج فارس می‌برد، چه کار کردند؟ گفت فقط گفتیم یا زهرا، یا زهرا، یا زهرا، دیدیم

زیر پایمان سفت شده و در ساحل اروندیم، در ساحل دشمنیم، انگار می‌خواستیم زیر پایمان سفت بشود و مستحکم بشویم، رمز یا زهرا لازم داشتیم. این یا زهرا را در منازلمان و مساجدمان و در پستوی خانه‌مان فاطمه زهرا^(س) را صدا بزنییم. در میدان جهاد، اگر فاطمی بودیم می‌شود والفجر ۸ سال ۹۳ را هم پیروز شد. آن موقع که شرق و غرب قوی‌تر از امروزشان بودند، شکست خوردند. امروز که شرق و غرب ضعیف‌تر از آن روزشان هستند و ما قوی‌تر از آنها هستیم. پس نکته اول؛ رمز عملیات

هنوز در دانشگاه‌های جنگ جهان، دارند عبور بچه‌های رزمنده از اروند را بررسی می‌کنند تکنیک عبور از رودخانه را آنها نمی‌فهمند، تاکتیک عبور از اروند وحشی و شکستن خطوط مستحکم دشمن، رمز یا فاطمه الزهرا^(س) است.

زمان بود، با توسل به امام رضا^(ع) حل می‌شود. البته شرط دارد؛ از تو حرکت از خدا برکت. متوسط سن دانشمندان هسته‌ای کشور، ۲۷ سال می‌باشد. در جهان بی‌سابقه است، متوسط دانشمندان هسته‌ای و علوم استراتژیکی ۲۷ سال باشد. اما ۲۷ ساله‌هایی که امام رضا^(ع) را باور کردند می‌شود دانش هسته‌ای. اگر ۲۱ بهمن ۶۴ پرچم امام رضا در مناره مسجد فاو برافراشته شد، ۸۸/۸/۸ سالروز ولادت امام رضا^(ع)، پرچم امام رضا^(ع) بر گنبد نیروگاه هسته‌ای بوشهر برافراشته شد، که دنیا بدانید ما امام رضا^(ع) داریم. آن وقت امریکا می‌خواهد ما را تهدید کند، واقعاً شرمندگی دارد. ملتی که امام رضا دارد، حضرت زهرا^(س) را دارد، امریکا را اصلاً نمی‌بیند. به امام بزرگوارمان گفتند که خرمشهر سقوط کرد. فرمودند: الله‌اکبر. سوم خرداد خبر دادند خرمشهر آزاد شد، فرمودند: الحمدلله. خرمشهر سقوط کرده خدا بزرگ است، خرمشهر را آزاد کردیم، الحمدلله، خدا را سپاس. امریکا کی هستن؟ شوروی سابق کیه؟ صهیونیست‌ها کی‌ان؟ امریکا ۱۲۰۰۰ بمب اتم دارد. بمب اتم چیه؟ امام رضا داریم. به برکت شهدای والفجر، یک نکته می‌گویم وقت نیست برسیم به نکته بعدی. مولایمان امام رضا فرمود: می‌خواهید در اقتصاد مقاومتی موفق بشوید؟ سود کم بر معاملات و تجارت زندگیتان. سی میلیون می‌رویم مشهد سالانه خدمت امام رضا^(ع)، سی میلیون اگر ۵۰ درصدان حرف مولایمان امام رضا^(ع) را مثل بچه‌های شهدای والفجر گوش بدهیم، تقوا داشته باشیم، سود کم را قانع بشویم. مشکلات اقتصادی حل می‌شود. پس والفجر ۸ دیروز توسل به حضرت زهرا^(س)، عنایت امام رضا^(ع)، والفجر ۸ امروز بنا بر این است که اقتصاد مقاومتی را در والفجر ۸ امروز انجام بدهیم. بناست اصلاح الگوی مصرف را انجام بدیم. والفجر ۸ امروز من و شما خرید کالای ایرانی است. چرا؟ چون دشمن آمده میدان مین درست کرده، سیم‌خاردار درست کرده، خورشیدی درست کرده، یک اروند بزرگی جلویمان ایجاد کرده است. می‌گوید می‌توانید بروید کالای ایرانی

یا فاطمه الزهراست. خواستیم زیر پایمان محکم بشود، امیدمان به خداوند باشد، توکلمان به اهل بیت باشد، محورش حضرت زهرا سلام الله علیهاست.

نکته اول والفجر ۸: توسل به ائمه معصومین؛ رمز موفقیت ما در مشکلات

با خودباوری و اعتمادبه‌نفس بچه‌های رزمنده که فاطمه زهرا^(س) را باور کرده بودند، عملیات والفجر ۸ در ۲۰ بهمن سال ۶۴ انجام شد. این محوری که الان شما آمده‌اند نشستاید، این محل روبه‌روی شهر فاو، محور عملیاتی لشکر ۲۵ کربلاست که سردار قربانی فرمانده آن بود. وقتی فاو تصرف شد، پرچم گنبد مولا امام رضا^(ع) را بر مناره مسجد فاو برافراشته کردند. یعنی چه؟ یعنی دنیا بدانید اگر از اروند وحشی عبور کردیم، خطوط مستحکم شما را شکستیم، ذیل توجهات مولا امام رضاست. باور به اقتدار و عظمت و ولایت امام رضا^(ع). حالا این را بیاوریم در زندگی امروزمان. وقتی سال ۱۳۸۵، بحث دانش هسته‌ای مطرح شد، سانتریفیوژها را روشن می‌کنند و منفجر می‌شوند. هر سانتریفیوژ، در یک ثانیه، هزار دور گردش گریز از مرکز دارد، یعنی چنین تکنیک بسیار مهم است. آقای آقازاده رئیس وقت سازمان انرژی اتمی گفت: "بهم خبر دادند هرچه آبشارهای سانتریفیوژ را روشن می‌کنیم، منفجر می‌شود." گفت: "از تهران بلند شدم رفتم مشهد، خدمت امام رضا^(ع). گفتم این جوان‌ها دارند کار می‌کنند، کمکشان کنید." ایشان گفت: "مشهد بودم هنوز برنگشته بودم، از نطنز با من تماس گرفتند، گفتند فعلاً غنای ۳۳ و نیم درصدی از سانتریفیوژها را گرفتیم." ملتی که امام رضا^(ع) دارد، امریکا را می‌بیند؟ چرا می‌خواهی ابرقدرت ببینی؟ چه بلایی به سرمان آوردند می‌گوییم امریکا ابرقدرت است؟ ابرقدرت من و شما، امام رضا^(ع) است. مشکل پیدا می‌کنیم در عبور اروند و شکستن خط دشمن، حامی ما امام رضا^(ع) است. مشکل پیدا می‌کنیم در دانش هسته‌ای، در پیشرفت فناوری علمی، در جهاد علمی، مثل دیروز که جهاد آن

شهادت رسیدند. الآن قبر مطهرشان در صحن شهدای اصفهان است. زبان عربی بلد بود. بی سیم عراقی‌ها را گوش می‌داد، برای حاج حسین خرازی ترجمه می‌کرد. خانعلی گفت آن شبی که گارد ریاست جمهوری صدام آمد فاو را پس بگیرد و بچه‌های گردان حضرت ابوالفضل^(ع) [حالت حزن راوی] آنها درگیر شدند، صدام آمد پشت بی سیم، به فرماندهانش در فاو گفت: "فاو را نمی‌خواهم، گارد را از دست ایرانی‌ها نجات بدهید. من دیگر فاو را نمی‌خواهم، گارد را نجات بدهید." [اینها] کی بودند؟

بخرید، اقتصادتان را مجاب کنید اقتصاد مقاومتی داشته باشید. اصلاح الگوی مصرف. شهدای والفجر ۸ را الگو قرار بدهیم. چگونه بچه‌های غواص از والفجر ۸ از ارونند عبور کردند؟ وقتی که که سرعت آب بچه‌ها را به سمت خلیج فارس می‌برد، گفت که فقط ذکر یا زهرا نجاتشان داد.

نکته دوم والفجر ۸: ایمان و ایثار جوانان بسیجی عامل شکست لشکر گارد صدام

نکته دوم والفجر ۸، درگیری گارد ریاست جمهوری صدام با بچه‌های بسیجی گردان حضرت ابوالفضل از لشکر امام حسین است. محور لشکر امام حسین^(ع) در عملیات والفجر ۸، حدود یک کیلومتر پایین‌تر، یک اسکله‌ای است که به نام چهارچراغ معروف بود. وقتی از این یادمان برگشتیم به جاده اصلی رسیدیم، می‌رسیم به یک قبرستان متروکه قدیمی که البته جاده زمان جنگ شنی بود و الآن آسفالت است، اینجا محوری بود که می‌رفتیم به سمت ساحل ارونرود، آن هم محور لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) بود. شب سوم عملیات والفجر ۸، دشمن بعثی آمده بود فشار بیاورد. به قول معروف بچه‌های آن موقع، از این لچکی، گوشه ساحل ارونرود و خاک خود فاو، هجوم بیاورد ساحل ارونرود را پس بگیرد، بچه‌های رزمنده را در فاو محاصره بکند و عملیات بچه‌ها را با شکست مواجه بکند. فشار سنگینی آورد. گارد ریاست جمهوری صدام زبده‌ترین، مجهزترین، باتجربه‌ترین نیروهای نظامی صدام بودند، هر بار که جبهه‌ها مشکل پیدا می‌کرد، گارد ریاست جمهوری را می‌فرستاد. از بغداد حرکت می‌کردند، مارش پیروزی می‌زدند. وقتی گاردش را آورد در منطقه، جاده فاو - بصره، گردان حضرت ابوالفضل^(ع) به فرماندهی شهید دلاورمان حسن قربانی وارد عملیات شد. بلایی به سر این گارد صدام آوردند که خدا رحمتش کند. شهید خانعلی، که شنود لشکر امام حسین^(ع) بود، در سال بعد، سال ۶۵ در منطقه شلمچه، خانعلی و فرزندش به

مدرک تحصیلی که نداشتند. اغلب آنها سیکل و ابتدایی و فوقش دبیرستان خوانده بودند. دانشگاه و دانشجو و لیسانس و فوق لیسانس و دکترا جایی خبری نبود آن موقع. پول تو جیبشان هم خیلی کم بود. بعضی وقت‌ها، کرایه رفتن به اصفهان را هم نداشتند. نه پول داشتند، و نه ثروت، نه مدرک داشتند، نه عنوان داشتند، نه هیكل داشتند، نه قد بلند داشتند. نه تجهیزات زیاد داشتند. یک چیز داشتند، ایمان و باور و اعتقاد بود. گارد ریاست جمهوری صدام را تارومار کردند. امروز

آن شبی که گارد ریاست جمهوری صدام آمد فاو را پس بگیرد صدام آمد پشت بی سیم، به فرماندهانش در فاو گفت: "فاو را نمی‌خواهم، گارد را از دست ایرانی‌ها نجات بدهید."

در والفجر ۸ من و شما، گارد ریاست جمهوری امریکا و صهیونیسم آمده به استقبالمان. تعبیر امام بزرگوارمان: آنها می‌آیند که زیر چکمه‌هایشان، لهمان کنند که آخ هم نگوییم. پیام امام بزرگوارمان را در فروردین سال ۶۷ بخوانید. حضرت امام می‌فرمایند: "حسینیان آماده باشید. دشمن آمده زیر چکمه‌هایش به گونه‌ای لهمان کند، جرئت و فرصت پیدا نکنیم آخ بگوییم." گارد ریاست جمهوری امریکا، گارد ریاست جمهوری اروپا و صهیونیسم راه افتاده، گارد ریاست جمهوری ۵+۱



— راویت محسن نصری در یادمان اروندرود - اسفند ۱۳۹۳

نکته سوم عملیات والفجر ۸: احساس مسئولیت و تعهد
 یکی از شهدای عملیات والفجر ۸ منطقه فاو، یک شهید دانشجویست به نام شهید مجید تصاعدیان. چون بعضی‌ها سه نوع خاکریز و دژ مستحکم داشتند: نونی شکلی‌ها در شلمچه، مثلثی شکلی‌ها در پاسگاه زید، بی شکلی‌ها در منطقه فاو. یک دژهای مستحکم بزرگی داشتند به طول حدود یک کیلومتر، حالت یک "ب" را پیدا کرده بود. روی یکی از این ب‌شکل‌ها، پنج شش نفر از دوستان بودیم، یک‌هو یک خمپاره آمد بینمان، یکی از بچه‌ها ترکش به پشت گوشش خورد و از چشمش آمد بیرون. به بیمارستان شهید لبافی‌نژاد تهران منتقلش کردند. یک مقطعی که عملیات به یک تثبیتی رسید، آمدیم اصفهان مرخصی. این آقای مجید تصاعدیان دانشجوی رشته روابط بین‌الملل دانشگاه وزارت امور خارجه در تهران بود. رفت تهران. من هم از اصفهان رفتم تهران. باهم رفتیم به ملاقات رفیقمان که در بیمارستان لبافی‌نژاد بود. می‌خواستیم بیایم اصفهان، گفت رفتید منطقه به من خبر بدهید تا من هم بیایم اصفهان باهم برویم. چون بچه اصفهان بود. من آمدم منتقل شدم به فاو. ایشان را خبر نکردم. به سه علت: ۱. متأهل بود،

راه افتاده. کسی می‌تواند با گارد ریاست جمهوری در والفجر ۸، ۹۳، ۹۴ مقابله کند، آن که باور کند والفجر ۸ را. می‌شود از بچه‌های والفجر ۸ الگو گرفت. اسلحه‌ها با سرنیزه‌هایشان از طول قد بعضی از رزمندگان بیشتر بود، اما گارد صدام را تارومار کردند. صدام عصبانی و ناراحت بود. پشت بی‌سیم به فرماندهان می‌گفت: "فاو را نمی‌خواهد بگیرید، گارد را نجات بدهید. این نیروهای زنده را نجات بدهید." متوسط سنی بسیجی‌ها ۲۰ سال بود. اینها چی بودند؟ اینها مگر امریکا را نمی‌شونداسند؟ مگر شوروی، مگر صدام را، مگر تجهیزات را ندیده بودند؟ خوب هم دیده بودند، اما خدا را بالاتر دیده بودند. اهل بیت را بالاتر دیده بودند. شهادت و ایثار و عاشورا را بالاتر دیده بودند. پس یادمان باشد، والفجر ۸ دیروز، گارد ریاست جمهوری آمد پیش بگیرد، اما با بچه‌های شانزده هفده ساله‌ای که ایمان و تقوا و شهادت و ایثار و ولایت‌مداری داشتند، موفق نشد. والفجر ۸ امروزمان این است. دشمن گارد ریاست جمهوری ۵+۱ را فرستاده، اگر والفجر هشتی بودیم، فاطمی بودیم، مولایمان امام رضا را بالای سرمان دیدیم، می‌توانیم گارد ریاست جمهوری ۵+۱ را هم تارومار کنیم.

پیروز شوید. مقابل جنگ نرم، مقابل جنگ سیاسی، مقابل جنگ اقتصادی، احساس تعهد و مسئولیت [داشته باشید]. وصیت‌نامه شهید مجید تصاعدیان را بخوانید. توصیه به اطاعت از حضرت امام^(ع) دارد. به خانم‌ها توصیه به حجاب و عفت و حیا دارد. این شهدا جان خودشان، زن و بچه‌شان را دوست داشتند. درس و دانشگاه و تحصیل و سازمان ملل و همه اینها را دوست داشتند. اما بالاتر از آن خدا بود که دوست داشتند، بالاتر از آن جهاد فی سبیل الله بود، دوست داشتند.

برای حل مشکلات به سمت

خدا برویم نه به سمت کدخدا

خلاصه بکنم خسته نشوید، امروز آمده‌ایم والفجر ۸، یک مقدار از قیل و قال دنیا و اصفهان و دانشگاهمان فاصله بگیریم که ببینیم والفجر ۸ امروزمان را ما باید چه کار بکنیم؟ نگوییم نمی‌شود. سخت است. سخت‌تر از این والفجر ۸ نیست. سخت‌تر از این رودخانه ارونند وحشی نیست. سخت‌تر از میدان مین و تیربار دشمن نیست. فقط شرطش این است که باور کنیم خدا وجود دارد. برویم سراغ خدا،

نه کدخدا. مشکل ما بعضی وقت‌ها این است که خدا را فراموش کردیم. بفهمیم به عنایت مولایمان امام رضا^(ع) است که می‌تواند ما را بر همه جبهه کفر و نفاق پیروز کند و پیروز کرده. چه در عرصه نظامی، چه در عرصه علمی، چه در عرصه اقتصادی.

پندها و نصایح

نکته آخر؛ همین این گوینده حقیر، این قدر بی‌لیاقت بودیم که ماندیم. اگرچه بزرگواری کردند عزیزان

یک دختر چهارده‌ماهه داشت. دختر دومش هم سه ماه بعد به دنیا می‌آمد. گفتیم مجید تصاعدیان نیاید، زن و بچه‌دارد. بچه دومش تو راه است. ۲. گفتیم بچه و آدم درس‌خوانی است، می‌دانستیم که بنا بود در تابستان ۶۵ به دفتر سازمان ملل برود. یک سفر به آلمان برود و در مراکز سیاسی و خارج از کشور فعالیت بکند. گفتیم آنجا از حقوق انقلاب و نظام جمهوری اسلامی دفاع می‌کند. بچه درس‌خوان و با استعدادی بود. وقتی هم که به شهادت رسید، آقای دکتر ولایتی، که وزیر خارجه وقت بودند، برای شهادت تصاعدیان که در گلستان شهدای اصفهان به خاک سپرده شد، پیام دادند. ۳. نکته سوم، نور بالا می‌زد. ببینید بچه‌های جنگ اهل معنویت بودند. اهل قرآن بود. می‌گفتیم این بیاید شهید می‌شود. این قدر عقل ناقص ما نمی‌فهمید که شهادت دست ما نیست، بیاید و نیاید. گفتیم نور بالا می‌زند نیاید بهتر است. یهو شهید می‌شود، این متأهل است، این دانشجو است، این نخبه است، این درس‌خوان است. آمدیم منطقه خبرش نکردیم. فهمیده بود. از تهران آمده بود اصفهان. این ساختمان بسیج دانشجویی در خیابان مطهری، آن موقع بسیج منطقه ۲ اصفهان بود. آخرین عکسش را هم ای‌کاش آورده بودم، نشان‌تان می‌دادم. آمد منطقه رفت لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)؛ گردان تخریب. نه پرسنلی، نه آشپزخانه و تدارکات، تخریب؛ میدان مین، شهادت، دست و پا قطعی و چشم‌کوری و امثالهم. در همین منطقه فاو، جاده ام‌القصر، رفتند جلو دشمن بعثی مین بگذارند، خمپاره زدند، به شهادت رسید. شهید مجید تصاعدیان که الآن دختر دومش که سه ماه بعد از شهادتش به دنیا آمد، دانشجوی دکترای دانشگاه تهران است. خانواده ایشان می‌گفت: این دختر دومش بالینکه پدرش را ندیده، اخلاق و روحیه و استعداد و درسش، عین پدرش است. دختر اولش هم چهارده ماهش بود پدرش به شهادت رسید. تصاعدیان یعنی ایمان به احساس مسئولیت و تعهد. والفجر ۸ با این تعهد و دغدغه و احساس مسئولیت رخ داد. می‌خواهید والفجر ۸ امروز

راوی به موانع مستحکم عراق در ارونند اشاره کرده و چگونگی عبور از این موانع را توسل به حضرت زهرا^(س) بیان می‌کند در جایی که باید این مسئله را به عقلانیت و تلاش فرماندهان و رزمندگان نسبت می‌داد.

امروز دشمن جرئت نکند به ما تعرض نظامی بکند. این اقتدار و عزت ماست. این توانمندی ماست. حالا هم رفته در حوزه اقتصادی و فرهنگی و سیاسی. ان شاء الله خداوند توفیق بدهد لیاقت پیدا کنیم تا والفجر ۸، ۹۳ و ۹۴ بمانیم. ان شاء الله رزمنده و بسیجی والفجر هشتمان بشویم، وگرنه این بیابان‌ها و این رودخانه‌ها را دیدن و این خاک‌ها را دیدن به این زحمت‌هایی که شما کشیدید نمی‌صرفد. ان شاء الله والفجر ۸ امسالمان را خوب انجام بدهیم. عذرخواهی می‌کنم از همه بزرگواران، ان شاء الله لیاقت پیدا کنیم، در والفجر ۸ سال ۹۳ و ۹۴ لیاقت شهادت پیدا کنیم در رکاب مولایمان و رهبر و ولی فقیه عصر غیبتمان، سیدعلی خامنه‌ای حفظ الله.»

نقد و بررسی روایت

نقاط قوت

۱. صحبت‌های راوی در سه موضوع دسته‌بندی می‌شود: ۱. موقعیت جغرافیایی منطقه. ۲. موقعیت نظامی عملیات والفجر ۸. ۳. الگوهایی که از والفجر ۸ در مسئولیت‌های امروز به کار می‌رود. این روایت از ابتدا دسته‌بندی شده و اظهارات راوی با یک نظم خاص به مخاطبان عرضه می‌شود. این نوع روایت دارای چارچوب مشخصی است و مخاطب به دلیل پراکنده‌گویی نکردن راوی به درک بهتری از روایت می‌رسد. روش فوق نشان‌دهنده آمادگی قبلی راوی و تسلط کافی وی بر مطالب می‌باشد. در واقع، راوی قبل از صحبت‌ها، مروری بر مطالب بیان‌شده داشته است. ۲. راوی با اشاره به برافراشته‌شدن پرچم سبز امام رضا^(ع) در سال ۱۳۶۴ در فاو و در سال ۱۳۸۵ در نطنز، ادامه جهاد رزمندگان در سایر عرصه‌ها را برای مخاطبان مجسم می‌سازد و الگوگیری تاریخی از این دو واقعه را راهی برای رفع مشکلات فعلی می‌داند. این الگوگیری معنوی به باور و اعتقاد معنوی جوانان می‌افزاید و از نکات برجسته روایت راوی است. ۳. راوی برای فائق آمدن بر موانع و مشکلات روز جامعه، ابتدا این مشکلات را به موانع و مشکلات عملیات

پیشکوست دفاع مقدس، امر فرمودند بنده بیایم خدمت شما، چه من، چه شما بزرگواران، از اینجا رفتیم اصفهان، با دیروز و پریروز و دو روز پیش و هفته پیشمان خیلی فرق می‌کند. خودمان را رزمنده والفجر ۸ باید بدانیم. خیلی‌ها در دانشگاه‌های شما بودند که با شما همسفر نیستند. شما را شهدا انتخاب کردند آوردند اینجا، بیایید اروند وحشی را ببینید. ببینید می‌شود با رمز فاطمه الزهرا^(س)، با رمز علی بن موسی الرضا^(ع)، شرق و غرب جهان را شکست داد. دست و پایتان را گم نکنید. نگویید امریکا تهدیدمان کرده. صهیونیست‌ها و اروپایی‌ها ناراحت‌اند، عصبانی‌اند. اگر آنها کنار نیاییم، حل نکنیم، تعاون نکنیم، واویلا می‌شود. آن موقع هم وحدتشان بیشتر بود، هم قدرت نظامی‌شان بیشتر بود. هم بیشتر آمدند در حمایت از دشمنان ما وارد عمل شدند. امروز که خیلی راحت‌تر می‌شود. پس شرطش این است که والفجر هشتی بشویم. ان شاء الله از این منطقه برگشتیم، اقتصاد مقاومتی، والفجر ۸ من و شماست. من نمی‌دانم تا کی باید دنبال این باشیم، حضرت آقا پیام بدهند. سیاست کلی ما را با سخنرانی اعلام بکنند.

عمل به خواسته‌های رهبری

جمله آخر را بگویم، نمی‌دانم دقت کردید شما از اصفهان آمدید، از شهرتان آمدید. سه چهار روز پیش، حضرت آقا در دیدار با مجلس خبرگان چه گفتند؟ گفتند: "نگرانم"، چه کار کردیم که آقا نگران است؟ اینجا در والفجر ۸ جوان‌ها جان دادند که امام بزرگوارمان یک جزء نگرانی نداشته باشد. جان دادند. از من و شما حضرت آقا جان دادن نخواستند. می‌گویند: "نگرانم که دشمن فریبکاری نکند"، می‌گویند: "در اقتصاد مقاومتی نگران [هستم]". نباید اجازه می‌دادیم آقا بگویند من نگرانم، من دلواپسم. چه کار کردیم؟ این شهدا یقه ما را روز قیامت می‌گیرند. شهید تصاعدیان می‌گوید من زن و بچه‌ام را رها کردم. دوتا بچه و زنش را رها کند بیاید، گردان تخریب در فاو برای چه؟ برای اینکه من و شما امنیت داشته باشیم.

نیروهای اطلاعات قرارگاه‌ها و لشکرهای مختلف انجام شده است. لذا هر چند که دانشجویان از استان اصفهان هستند، با این نوع بیان، قومیت‌گرایی، بیشتر ترویج داده می‌شود. جنگ تحمیلی مختص به زحمات یک شهر یا یک استان نبوده و این امر باید به‌طور کلی دیده شود.

راوی به خط حد لشکر ۲۵ کربلای مازندران به فرماندهی سردار قربانی کند و فقط به شهر شخص فرمانده لشکر که اصفهانی است، اشاره می‌کند. زحمات جنگ را باید در راستای همه اقوام ایرانی تعریف کرد.

۲. پیچیده‌ترین عملیات فریب و غافلگیری در همه دوران جنگ در منطقه فاو انجام شده است، اما راوی هیچ‌گونه اشاره‌ای به این موضوع نمی‌کند. اساساً راوی عظمت عملیات را بسیار کم مورد توجه قرار داده است. ۳. راوی به موانع مستحکم عراق در اروند و رادار رازی که حتی تحرک پشه روی اروند را ثبت کرد، اشاره کرده و چگونگی عبور از این موانع را توسل به حضرت زهرا^(س) بیان می‌کند. بی‌شک اراده خدا و کمک اهل بیت^(ع) در همه پیروزی‌های رزمندگان نقش داشته است، اما به گفته خود راوی «از شما حرکت از خدا برکت». باتوجه به اینکه مخاطبان این روایت، همگی دانشجویان دانشگاه هستند، باید عقلانیت بیشتری در موضوع بیان می‌شد و این عقلانیت با اعتقاد به خدا و کمک اهل بیت به سرانجام می‌رسید. اشاره به اینکه فقط توسل توانسته رمز شکست باشد، کافی نیست. راوی می‌توانست با بیان گوشه‌ای از تلاش‌های فرماندهان و رزمندگان در فریب دشمن و عبور از موانع و رادار رازیت، عقلانیت بیشتری برای موضوع قائل شود.

۴. راوی با اشاره به بررسی عبور از اروند در دانشگاه‌های جنگ جهان، که نشان‌دهنده کار علمی و عقلانیت ایران در طرح‌ریزی عملیات والفجر ۸ است، این موضوع را برای جهانیان غیرقابل فهم می‌داند. البته وی بعد از امور علمی و عقلانیت در طرح حمله، توکل به خدا را برای آنها غیرقابل درک می‌خواند. توصیه می‌شود برای مخاطبان دانشگاهی که معنویت را در کنار عقلانیت بیشتر

والفجر ۸ در سال ۱۳۶۴ تشبیه می‌کند و سپس با الگوگیری از موفقیت والفجر ۸ به تعدادی از راهکارهای عملی روز جامعه مانند اصلاح الگوی مصرف، سود کم در معاملات، خرید کالای ایرانی و... می‌پردازد. لذا مخاطب که بارها مطالبی را در خصوص این مسائل در جامعه امروز شنیده، اعتقاد و تعصبی ویژه به این راهکارها پیدا می‌کند و در نتیجه دید بازتری برای پذیرش آن در جامعه به وجود می‌آید.

۴. راوی با هر ماجرای مطرح‌شده در روایت خود، قصد دارد نتیجه عمل را به ایمان، باور و اعتقاد رزمندگان ارتباط دهد و در بین صحبت‌های خود بارها تأکید می‌کند که رزمندگان ما با تمام کمبودهای موجود بر موانع ایجادشده از سوی دشمن، غلبه کردند و در مقابل همه مشکلات ایستادند، در زمان حال هم باید باور کنیم که با الگوگیری از سوابق رزمندگان، می‌توان بر مشکلات فائق آمد.

۵. راوی برای ایجاد تعهد و برانگیختن احساس مسئولیت در مخاطبان برای مقابله با مشکلات روز جامعه، از شهید تصاعدیان که هم‌قشر آنها (یعنی دانشجو) بوده و شرایط زندگی خوبی هم داشته است، به‌عنوان یکی از شهدای دانشجو یاد می‌کند. این مثال سنخیت فراوانی با مخاطبان روایت دارد.

۶. نتایج روایت عملیات والفجر ۸ برای مخاطبان دانشجو، در قالب چند نکته بیان شده است: ۱. توکل به خدا و توسل به ائمه اطهار. ۲. ما می‌توانیم. ۳. احساس مسئولیت و تعهد. ۴. نترسیدن از ابرقدرت‌ها. به نظر نگارنده راوی توانسته به خوبی اهداف خود را از روایت عملیات والفجر ۸ استخراج کند.

نقاط ضعف

۱. راوی به شش ماه مطالعه روی رودخانه اروند، قبل از اجرای عملیات والفجر ۸ اشاره می‌کند که در اسناد نیز موجود است؛ اما این مطالعات با یک مثال به نام گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان گره می‌خورد. این درحالی است که مطالعات جامع و کاملی در این زمینه توسط

ب) حمله به لشکر گارد که در شب چهارم به محاصره گارد می‌انجامد، توسط چند گردان از لشکرهای مختلف انجام شده است؛ از جمله گردان امام حسین^(ع) از لشکر ۲۵ کربلا، گردان روح‌الله از لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب^(ع)، گردان چهارده معصوم از لشکر ۸ نجف، گردان حضرت ابوالفضل^(ع) از لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) و تعداد دیگری از گردان‌ها که به‌عنوان نیروی کمکی وارد عمل شدند. گردان حضرت ابوالفضل^(ع) در این حمله نقش داشته است، لیکن به‌تنهایی نمی‌توانسته تیپ‌های لشکر گارد ریاست‌جمهوری عراق را محاصره کند و ذکر نام این گردان به‌تنهایی کافی نیست و اتکای صرف به گردان لشکر اصفهان نوعی آسیب در روایتگری محسوب می‌شود.

۷. روایت تاحدودی به کارهای علمی قبل از عملیات پرداخته تا بی‌برنامگی، تلفات بیجا و ناکارآمدی انقلابیون در ذهن مخاطب باقی نماند. لیکن با توجه به دانشجوی بودن مخاطبان و واقعیتی که در امور علمی عملیات والفجر ۸ انجام شده، راوی می‌بایست قبل از توکل به خدا و توسل به ائمه اطهار از تلاش‌های قبل از عملیات رزمندگان سخن می‌گفت.

۸. راوی در روایت خود می‌گوید که رزمندگان مدرک تحصیلی نداشتند. در نقد این سخن باید گفت که بسیاری از رزمندگان ما دانشجوی بودند، همان‌طور که دانش‌آموزان، کشاورزان و کارگران نیز در جبهه‌ها حضور داشتند.

۹. راوی در روایت خود اشاره به موانع "بشکل" عراق در منطقه فاو می‌کند. شایان ذکر است که چنین موانعی در منطقه فاو موجود نبود، البته موانع متعددی در این منطقه وجود داشت، ولی نباید به‌طور غیردقیق به آنها اشاره کرد.

در مجموع، این روایت از نظر تاریخی و عملیاتی ضعف‌هایی دارد، اما بخش سیاسی و اجتماعی آن از نقاط قوت بیشتری برخوردار است.

جست‌وجو می‌کنند، همراه با بیان زحمات رزمندگان و عقلانیت در جنگ، امر توکل به خدا و توسل به ائمه طرح شود. روایتگری بدون شرح عملکرد و فقط با اکتفا به معنویت برای مخاطبان دانشگاهی روشی نامناسب است.

۵. راوی خاطره‌ای از یک غواص روایت می‌کند که با ذکر یا زهرا توانست از اروند عبور کند. اینجا بهتر بود اشاره‌ای به تمرینات شبانه‌روزی غواصان در آب‌های سرد رودخانه‌های مجاور یا نقاط دیگر نیز می‌شد تا در ذهن مخاطب این تلقی پیش نیاید که غواصان افراد نابلد و مبتدی بوده‌اند و فرماندهان افراد را بدون تمرینات در خط‌شکنی به کار می‌بردند. در ضمن، مخاطب دانشگاهی جنگ‌ندیده، درک کاملی از اقدامات انجام‌شده در زمینه آموزش و تمرین قبل از عملیات به دست نمی‌آورد و جنگ را فقط از جنبه معنوی و شانس می‌نگرد.

۶. در خصوص طرح موضوع درگیری گردان حضرت ابوالفضل^(ع) با لشکر گارد ریاست‌جمهوری عراق در روایت نکات زیر قابل طرح است:

الف) راوی به شب سوم عملیات و درگیری گردان حضرت ابوالفضل^(ع) و لشکر گارد ریاست‌جمهوری عراق اشاره می‌کند. طبق کتاب نبرد فاو نوشته آقای نداف، درگیری با لشکر گارد از صبح روز سوم در ناحیه معروف به کنج شروع شد. براساس کتاب جاده استراتژیک تألیف یحیی نیازی، لشکر گارد از بعدازظهر روز سوم به منطقه وارد شد و درگیری شدید بین گردان حضرت ابوالفضل^(ع) با گارد ریاست‌جمهوری عراق شب چهارم، در محل استراحت لشکر گارد ریاست‌جمهوری عراق صورت گرفت که به محاصره لشکر گارد عراق انجامید. علاوه‌براین، گزارش عملیات والفجر ۸ دکتر حسین اردستانی، راوی حاضر در منطقه فاو نیز حاکی است لشکر گارد عراق همان بعدازظهر روز سوم، وارد منطقه شد و درگیری با این لشکر در شب چهارم عملیات اتفاق افتاده است. به‌رحال، در شب سوم، درگیری با گارد عراق وجود نداشته است.